



ISSN: 2423 - 7655



Pajoheshha- e Mahdavi

A Research Quarterly in Mahdaviyyat
Thirteenth year, No 51, Fall 2024

The Impact of the Doctrine of Imamate in Building a New Islamic Civilization

Ahmad Bigdeli ¹

Abstract

The present study, titled "The Impact of the Doctrine of Imamate on Building a New Islamic Civilization", seeks to answer the question of what impact the doctrine of Imamate has on creating a new Islamic civilization using a descriptive-analytical method and library resources. In the structure and process of the research, the characteristics of Imamate are first discussed (infallibility, knowledge of the Prophet, superiority, and wilaya are some of these characteristics) and then the way in which these characteristics have an impact on Islamic civilization is explained. Based on research studies, the doctrine of Imamate, which is one of the most important beliefs of the Imamiyyah, has many civilizational effects on culture, society, politics, and economy in the field of life. Creating social cohesion, building a nation, beneficial scientific progress, establishing equity and justice, blameless management, production, distribution, and appropriate consumption are some of these factors. The sum of these is a study aimed at guiding society towards happiness in this world and the hereafter. **Keywords:** doctrine of Imamate, Imamate, civilization, building civilization, modern Islamic civilization

1. PhD student in Imamiyyah Theology, University of the Quran and Hadith, Iran (ahmad1450@chmail.ir)

تأثیر آموزه‌ی امامت در تمدن‌سازی نوین اسلامی^۱

احمد بیگدلی^۲

چکیده

تحقیق حاضر با عنوان «تأثیر آموزه‌ی امامت در تمدن‌سازی نوین اسلامی»، به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به دنبال پاسخ به این مسئله است که آموزه امامت، چه تأثیری در ایجاد تمدن نوین اسلامی دارد؟ در ساختار و فرایند تحقیق؛ نخست ویژگیهای امامت مطرح شده است (عصمت، علم لدنی، افضلیت و ولایت برخی از این ویژگی‌هاست) و سپس نحوه اثرگذاری این ویژگی‌ها در ابعاد تمدن اسلامی تبیین گردیده است. بر اساس یافته‌های تحقیق، آموزه امامت که از مهم‌ترین باورهای امامیه است، در عرصه‌ی زندگی، تأثیرات تمدنی فراوانی بر فرهنگ، اجتماع، سیاست و اقتصاد دارد؛ ایجاد انسجام اجتماعی، امت‌سازی، پیشرفت علمی مفید، اقامه قسط و عدل، مدیریت معصومانه، تولید، توزیع و مصرف به جا برخی از این تأثیرات هستند. مجموع اینها در جهت راهبری جامعه به سمت سعادت دنیا و آخرت، مؤثر است.

واژگان کلیدی

آموزه‌ی امامت، امامت، تمدن، تمدن‌سازی، تمدن نوین اسلامی.

مقدمه

تجلی آموزه‌های دینی، تحقق ارزش‌ها، باورها و احکام الهی در لایه‌های مختلف اجتماع جزو اصلی‌ترین اهداف مکاتب الهی در طول تاریخ بوده است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۲۸۶). ساخت تمدنی متناسب با آموزه‌های دینی برای حصول این اهداف ضروری است. رهبری از بنیادی‌ترین مؤلفه‌های تمدنی به شمار می‌رود. حیاتی‌ترین عنصر ساخت یک تمدن، «رهبری» است (درخشه، ۱۳۹۰: ۲۰۵). به گونه‌ای که نوع و چگونگی تمدن، برخاسته از نوع

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه دکترای با عنوان نقش کلام امامیه در تمدن‌سازی نوین اسلامی. متعلق به دانشگاه قرآن و حدیث است.

۲. دانشجوی دکتری کلام امامیه دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران (ahmad1450@chmail.ir).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۷؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۶/۰۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۱؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۳

رهبری و ویژگی‌های رهبر یک تمدن است. وجود آموزه‌ی امامت در تمدن اسلامی، موجب شاکله‌بندی درست و رشد و شکوفایی تمدنی می‌شود (پورسیدآقایی و امامی، ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۸۴). پیش‌فرض سخن گفتن از تأثیر آموزه‌ی امامت در تمدن نوین اسلامی، باور به اثرگذاری آموزه‌های دینی در شکل‌گیری و تکامل تمدن است. پس از پذیرفتن تأثیر جزئی و خرد آموزه‌ها در زندگی فرد فرد جامعه، برای تحقق تمدن اسلامی باید به تأثیر کلان آموزه‌های دینی در جامعه پرداخت. اثرگذاری آموزه‌ها در پی‌ریزی بنیان‌های فکری، جهت‌دهی‌های کلی و تنظیم و تدبیر تمامی ابعاد و لایه‌های اجتماع که موجب تشکیل تمدنی جدید می‌شود.

مقاله‌ی حاضر با نگاه تمدنی به آموزه‌های دینی تنظیم شده است. این‌گونه تحقیقات، مبانی نظری امامیه را به سمت کاربردی شدن، سوق می‌دهد. درک صحیح مفهوم «امامت» در کلام امامیه، و شناخت تفاوت این نگاه با سایر مکاتب و جهان‌بینی‌ها، نقاط قوت مبانی فکری امامیه در فرایند تمدن‌سازی نوین اسلامی را نمایان می‌کند.

این‌گونه نگاه موجب درک صحیح‌تری نسبت به جایگاه و کارکرد آموزه‌های دینی می‌شود و نیز برای تحقق تمدن نوین اسلامی، کمک و بسترسازی می‌کند.

این پژوهش با روش کتابخانه‌ای از گزاره‌های موجود در کتاب‌های کلامی و تمدنی بهره برده و با رویکرد تحلیلی - توصیفی آن گزاره‌ها، به پرسش اصلی مطرح در این پژوهش پاسخ می‌دهد. در این رابطه به نکات ذیل اشاره می‌شود:

الف) در مقاله‌ی پیش رو مبنای نویسندگان، نگاه کلامی امامیه بوده و اثرات آموزه امامت بر روی متغیرهای تمدنی مورد تحقیق قرار می‌گیرد.

ب) در تحقیق حاضر، آموزه‌ی امامت از دیدگاه کلام امامیه، مورد بحث است و نه مکاتب دیگر.

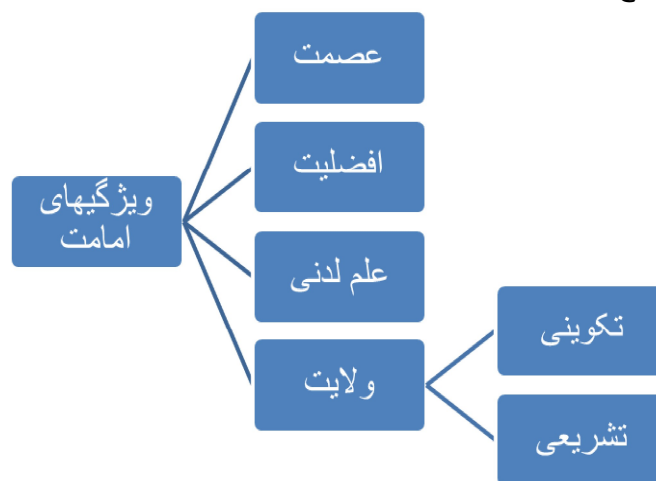
ج) در این مقاله سعی بر این است که ویژگی‌های مورد اتفاق علماء شیعی در باب امامت، مورد مطالعه قرار گیرد و از طرح مباحث اختلافی و نظرات مختلف، پرهیز شود (برای مطالعه بیشتر ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۳: ۳۹۵-۴۰۰؛ الحمصی الرازی، ۱۴۱۲ق: ۲۳۷-۲۷۷).

در موضوع ظرفیت‌های تمدنی، کتب زیر نوشته شده است؛ کتاب *ظرفیت‌های تمدنی اسلام* نوشته‌ی آقای حمید فاضل قانع که به صورت کلی ظرفیت‌های تمدنی اسلام را بررسی کرده، و به ظرفیت‌های آموزه‌ی امامت، نپرداخته است. کتاب *ظرفیت‌های دانش‌کلام در مطالعات تمدنی*

نوشته‌ی آقای محمدتقی سبحانی که از منظر علم کلام به تمدن اسلامی نگریسته و به صورت کلی به مباحث اشاره کرده است. مقاله «ظرفیت‌های تئوریک نظریه ولایت فقیه در ساخت تمدن نوین اسلامی» نوشته‌ی مهدی قربانی نیز به مسئله‌ی ولایت فقیه پرداخته و از منظر اصل امامت به موضوع پرداخته است. ولی تا به حال، به آموزه‌ی امامت از منظر ظرفیت‌های تمدنی نگریسته نشده است. بنابراین تحقیق حاضر، در «نوع نگاه به آموزه‌ی امامت»، در «ساختار ارائه مطالب» در «طرح ظرفیت‌های تمدنی آموزه‌ی امامت» و «نوع تقسیم‌بندی ظرفیت‌ها به عام و خاص» دارای نوآوری است.

بدنه‌ی مقاله

در کلام امامیه، «امامت» و رهبری امت اسلامی، یک مسئله‌ی الهی است، و امام دارای ویژگی‌ها و امتیازاتی می‌باشد (ابن بابویه، ۱۳۸۲ق: ۱۳۱-۱۳۲؛ حر عاملی، ۱۳۸۵ق: ج ۳، ۵۹؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۱۵، ۲۲۲).



«شکل الف»

اول: عصمت

۱۰۵

یکی از شرایط و لوازم امامت، مصون بودن از هرگونه گناه و خطاست (علامه حلی، ۱۴۳۰ق: ۱۸۴). دلیل این امر آن است که امام، جانشین پیامبر و مرجع علمی در احکام و معارف دین است. بنابراین لازم است که از گناه و خطا مصون باشد تا مردم بتوانند به او اعتماد کرده و

هدف از تعیین امامان برای هدایت بشریت نقض نشود (سبحانی، ۱۴۱۳ق: ج ۴، ۱۱۶).

دوم: افضلیت

متکلمان امامیه، افضلیت را یکی از شرایط و ویژگی‌های مهم امامت می‌دانند (محقق حلی، ۱۳۷۴: ۱۹۸؛ علامه حلی، ۱۴۳۰ق: ۱۸۷؛ فاضل مقداد، ۱۳۸۷: ۳۳۳؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق: ۱۲۱) و در این باره اتفاق نظر دارند (فاضل مقداد، ۱۳۹۱: ۳۳۶؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق: ۱۲۲؛ مظفر، ۱۳۹۴: ج ۴، ۲۳۳). آنان امام را در تمام کمالات و فضائل نفسانی و بدنی همچون علم، دین، تقوی، سخاوت و شجاعت و... افضل می‌دانند (علامه حلی، ۱۴۳۰ق: ۱۸۷؛ بحرانی، بی‌تا: ۶۶؛ مظفر، ۱۳۹۴: ج ۴، ۲۳۷-۲۳۸).

سوم: علم خدادادی

امامان معصوم به غیر از آنچه از طریق پیامبر ﷺ، بی‌واسطه یا باواسطه شنیده بودند (کلینی، ۱۳۹۳ق: ج ۱، ۲۵۶-۲۵۵) علوم دیگری نیز داشته‌اند. این آگاهی از آن قبیل علوم غیرعادی است که به صورت الهام و تحدیث به آنان داده شده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۲۶، ۵۷) همان طور که امام کاظم علیه السلام علم‌شان را بر سه قسم معرفی می‌کنند:

قال علیه السلام: مبلغ علمنا علی ثلاثه وجوه ماض و غابر و حادث فأما الماضی فمفسر و أما الغابر فزیور و أما الحادث ففقد فی القلوب و نقر فی الأسماع و هو أفضل علمنا و لانی بعد نبینا (کلینی، ۱۳۹۳ق: ج ۱، ۳۹۳)؛

علم ما به سه جهت است: گذشته و آینده و حال. اما گذشته برای ما تفسیر شده است، آینده نوشته شده است و اما حال، از راه الهام به قلب و تأثیر در گوش است، و آن بهترین دانش ماست و پیغمبری بعد از پیغمبر ما نیست.

متکلمان امامیه در دارا بودن «علم غیب امام» اتفاق نظر دارند و از ضرورت و فواید آن نیز سخن گفته‌اند (برای مطالعه‌ی بیشتر ر.ک: علامه حلی، ۱۹۸۲م: ۲۴۰؛ سبحانی، ۱۳۸۴: ۵۸) در محدوده‌ی اشراف این علم نظرات متفاوت است و به طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ گروهی علم امام را به موارد خاص محدود کرده (علامه حلی، ۱۴۳۰ق: ۱۴۸) و گروه دیگر آن را نامحدود می‌دانند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۸، ۲۰۷). بنابراین امامان به واسطه‌ی این علوم، به هر آنچه در مسیر هدایت بندگان و انجام وظیفه‌ی امامت خویش به آن نیاز داشتند، آگاه بودند (مصباح یزدی، ۱۳۸۳: ۳۲۱-۳۲۲).

چهارم: ولایت

ولایت واژه‌ای عربی است که از کلمه «ولی» گرفته شده است. اصل معنای ولایت عبارت است از نزدیک بودن دو چیز با یکدیگر (طبرسی، ۱۳۸۴: ج ۱، ۶۱) و اتصال و ارتباط دو چیز به صورت مماس و مستحکم با هم (قرشی، ۱۴۱۲ق: ج ۷، ۲۴۵).

ولایت در اسلام و اندیشه‌ی شیعی به معنای «سرپرستی و مالکیت در تدبیر» است که بر دو قسم تکوینی و تشریحی تقسیم می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۸، ۲۶-۲۷) ولایت تکوینی عبارت است از: سرپرستی امام بر موجودات جهان و عالم خارج و تصرف عینی در آنها (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۲۱، ۲۹۸؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق: ذیل آیه‌ی ۶۹ سوره‌ی زمر؛ جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۱۲۳). اکثر علمای امامیه بر کلیت ولایت تکوینی ائمه علیهم‌السلام اتفاق نظر دارند، ولی در برخی جزئیات مثل نقش فاعلی امام، چگونگی تصرف و... اختلاف وجود دارد (حمود، ۱۳۸۳: ج ۲، ۱۱۷-۱۱۹؛ صافی گلپایگانی، ۱۳۷۸: ۸۶-۸۸؛ ربانی گلپایگانی: ۲۹).

قسم دیگر، ولایت تشریحی امام است که شامل سرپرستی امام بر تفسیر و توضیح قرآن کریم و سنت نبوی و رهبری جامعه است (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۱۲۴-۱۲۵). در اثبات ولایت تشریحی ائمه علیهم‌السلام به معنای اولویت در تصرف بر اموال و نفوس مردم نیز اختلافی وجود ندارد (خویی، ۱۳۹۳: ج ۵، ۳۸؛ صافی گلپایگانی، ۱۳۷۸: ۱۳۳-۱۳۵ و ۱۴۱) بر اساس روایات تفویض (کلینی، ۱۳۹۳ق: ج ۱، ۲۶۵-۲۶۸؛ صفار قمی، ۱۳۹۲: ۳۸۳-۳۸۷) ولایت تشریحی به معنای حق تشریح و قانون‌گذاری برای امامان ثابت است (مؤمن قمی، ۱۳۸۹: ۱۰۰-۱۱۸؛ حسینی میلانی، ۱۳۹۶: ۲۷۳-۲۷۲ و ۳۱۱-۳۱۲) به جهت دارا بودن ویژگی‌هایی مانند، علم خدادادی و عصمت امامان، تفسیر و تبیین قرآن و سنت بر عهده‌ی امامان است (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۷: ۲۱۳) البته درباره‌ی این قسم ولایت تشریحی امامان نیز اختلاف نظر وجود دارد، برخی فقط محدود به تبیین شریعت دانسته (حر عاملی، ۱۳۸۵: ۴۳۹؛ آملی، ۱۴۲۲ق: ج ۳، ۵۲۲) و برخی قائل به تشریح به اذن خدا هستند (صفار قمی، ۱۳۹۲: ۳۸۳-۳۸۷؛ کلینی، ۱۳۹۳ق: ج ۱، ۲۶۵-۲۶۸).

با توجه به ولایت تشریحی و تأمل در سیره‌ی پیامبران و امامان، تشکیل حکومت و اجرای شریعت یکی از اهداف اصلی آنان بوده است (بقره: ۲۱۳؛ انبیاء: ۷۴؛ یوسف: ۲۲؛ ص: ۲۶).

تمدن اسلامی، از لحاظ سیاسی، حکومتی مبتنی بر اصل ولایت الهی دارد (ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۳: نسخه‌ی الکترونیکی) تمدنی که حول محور رهبری الهی تشکیل می‌شود براساس «گزینش الهی» انتخاب شده و دارای شاخصه‌هایی مانند؛ عدالت، افضلیت و... است

که موجب تمایز این جامعه از سایر جوامع می‌شود.



«شکل ب»

در ادامه، تأثیر شاخصه‌ها و ویژگی‌های امامت در چگونگی تمدن اسلامی بررسی می‌شود.

ولایت امام و امت‌سازی

تفاوت مهم و بنیادین دین اسلام با سایر ادیان و مکاتب در این است که «اسلام صرفاً مکتب فکری محض نیست» (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۷۶). بلکه دینی، عملیاتی و اجرایی است و برنامه‌ی عملی در قالب حکومت برای تحقق تمامی اصول و باورهای دینی دارد. در اصطلاح و عرف اسلامی، نام حکومت، «ولایت» است (مصباح یزدی، ۱۳۸۳: ۳۹۵-۳۹۶).

حکومت در جهان بینی اسلامی، مبتنی بر اصل «ولایت الهی» بوده و یک رابطه‌ی ولایی است که ارتباط و اتصال اجزای آن، غیرقابل انفکاک می‌باشد. در واقع حکومت ولایی فراتر از یک نظام حکومتی عادی است و ابعاد معنوی و ارتباط روحی به خصوص در آن جریان دارد (صهبا، ۱۳۹۱: ۱۶۶) پیامبران الهی اوصیای پیامبران و اهل بیت علیهم‌السلام مظاهر و مصادیق حکمرانان ولایی هستند (ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۹: ۴۷-۶۹). چنان‌که امام کاظم علیه‌السلام در حالی

که حکومت ظاهری را دارا نیست، خود را حاکم و ولی مؤمنین معرفی می‌کند و در جواب هارون که گفت: تو همان کسی هستی که مردم مخفیانه با او بیعت می‌کنند، کاملاً مقتدرانه حکومت ولایی را به رخ او می‌کشد:

أنا امام القلوب و انت امام الجسوم (ابن حجر هیثمی، بی تا: ۲۰۲)؛
من امام قلب هایم و تو امام جسم‌ها.

این نقل نشان می‌دهد، حکومت ولایی نوعی متفاوت از دیگر حکومت‌هاست، که ابعاد معنوی و اتصالات روحی را بر ارتباطات مادی و ساختاری مقدم می‌داند (فرهمندپور، ۱۳۸۷: ۲۰۴-۱۶۹). ولایت، یعنی آن حکومتی که در آن، ارتباطات حاکم با مردم، ارتباطاتی نزدیک فکری، عقیدتی، عاطفی، انسانی و محبت‌آمیز است (آل عمران: ۱۶۴). مردم به او متصل و پیوسته‌اند، به او علاقه‌مندند و او منشأ همه‌ی این نظام سیاسی است و وظایف خود را از خدا می‌داند و خود را عبد و بنده‌ی خدا می‌انگارد (نهج البلاغه، حکمت ۱۰۵).

الف) وحدت‌سازی ولایت

در هر گروه و اجتماعی، افراد و نیروها دارای نظرات و ذوق و سلیقه‌ی متفاوتی هستند. جلوگیری از تزاخم و تضاد و ایجاد هماهنگی در میان افراد جامعه‌ی اسلامی به وسیله‌ی نظام امت‌سازی، حول مودّت و ولایت «ولی منصوص و معصوم» شکل می‌گیرد. قرآن کریم در این موارد، برای حل اختلاف، امت را به سمت ولایت سوق می‌دهد (آل عمران: ۱۰۳؛ نساء: ۵۹). دسته‌دسته شدن و قبیله‌گرایی و تفرقه از قبیل عذاب‌هایی است که خداوند متعال در قرآن کریم به سرکشان و نافرمانان وعده می‌دهد (انعام: ۱۶۵). با وجود سرمایه‌ی وحدت‌بخش ولایت، جامعه‌ی ولایی جامعه‌ای وحدت‌زا و خالی از تفرّق و اختلاف است. علت این وحدت ناگسستگی، گستردگی شمول افراد و گروه‌ها در نقطه‌ی قدرت متمرکزی است که در متن جامعه ولایی وجود دارد و آن «امام» است. «امامت» با قدرت وحدت‌بخش خود جمعیت متفرق و متشتت را به امتی واحد مبدل می‌کند و در زیر چتر ولایت الهی نظم و انتظام داده و سامان‌دهی می‌نماید (آصفی، ۱۳۸۲: ۴۰).

یکی از جلوه‌های بارز جامعه‌ی ولایی، انسجام و ارتباط بسیار قوی در میان افراد جامعه است، به گونه‌ای که مانند یک پیکر واحد هستند، همان‌گونه که قرآن مؤمنان را برادر می‌داند:

﴿انما المؤمنون اخوة﴾ (حجرات: ۱۰)؛

مؤمنان با یکدیگر برادر هستند.

حدیث نبوی نیز وحدت و یکپارچگی جامعه‌ی ولایی را این‌گونه ترسیم می‌کند:

مثل المؤمنین فی تواددهم و تراحمهم کمثل الجسد اذا اشتکی بعضهم تداعی سائرهم
بالسهر و الحمی (پاینده، ۱۳۸۳: ۵۶۱):

مؤمنان در دوستی، عطوفت و مهر ورزی نسبت به هم چونان یک پیکرند؛ که هرگاه
عضوی از آن به در آید، دیگر اعضا را بی‌خوابی و تب فرا می‌گیرد.

علوم اجتماعی، بالا بودن یکپارچگی و روح جمعی در جامعه را برای تداوم زندگی جمعی و
رشد و ترقی جوامع، امری ضروری می‌دانند. این در حالی است که جامعه‌ی ولایی در بالاترین
سطح از این ویژگی برخوردار است. این اتحاد با راهبری و تنظیم‌کنندگی رهبری الهی حاصل
می‌شود.

ب) امنیت‌آفرینی ولایت

در حیاتی بودن مسئله‌ی امنیت همین بس که رشد و پیشرفت جوامع بشری و شکوفایی
استعداد انسان‌ها در گرو تأمین بودن آن است. مقوله‌ی امنیت و عناصر امنیت بخش در جامعه
را می‌توان با رویکردهای متفاوتی مورد بررسی قرار داد (برای مطالعه‌ی بیشتر ر. ک: برزنونی،
۱۳۸۴: ۹۴-۵۰). پس از مرحله‌ی امنیت فردی که توسط ایمان (انعام: ۸۲) تضمین شده، در
سایه‌ی جامعه‌ی ولایی «امنیت اجتماعی» برقرار می‌شود.

دورکیم معتقد است آنچه که امنیت اجتماعی را مورد تهدید قرار می‌دهد، دوری از اخلاق و
هنجارهای اخلاق‌مدار و ضعف همبستگی اجتماعی و تقویت فردیت در جامعه است. در نظر او
پایه‌ی هر نظام اجتماعی را عاطفه تشکیل داده و جامعه، اساساً پدیده‌ای اخلاقی است و برای
حفظ وحدت و همگونی، تابع نوعی وجدان مشترک اجتماعی است. در این باره او دین را به
عنوان عنصری امنیت بخش، موجب افزایش ضریب امنیتی جامعه می‌داند (غفاری، ۱۳۹۰:
۱۳۸). امنیت اجتماعی از شاخصه‌های تمدنی جامعه آرمانی اسلامی است. همان معنایی که
خداوند متعال در قرآن کریم آن را با عنوان شهر امن مثال می‌زند:

﴿و ضرب الله مثلاً قریه کانت ءامنه مطمئنه...﴾ (نحل: ۱۱۲).

و در ادامه آیه مهم‌ترین عنصر امنیت بخش را «ولایت» عنوان کرده که با تکذیب و نفی آن
موجب از بین رفتن امنیت و استحقاق عذاب الهی می‌شوند:

«و لقد جاءهم رسول منهم فكذبوه فأخذهم العذاب...» (نحل: ۱۱۲).

شاخصه‌ی مهم ولایت، سازنده‌ی جامعه‌ای همدل و هماهنگ است که روابطی مبتنی بر دوستی و الفت دارد. این مقام امامت است که مقوم جامعه‌ای با افرادی متفاوت ولی همدل و برادر است. که نمونه‌ای از این قوام بخشی به وحدت را در روایت امام صادق علیه السلام شاهد هستیم. امام صادق علیه السلام فرمود خدای عزوجل فرموده‌اند:

هرکس بنده‌ی مؤمن مرا بیازارد به من اعلان جنگ می‌دهد (کلینی، ۱۳۹۳ق: ج ۲، ۳۵۰).

جامعه‌ی ولایی، با برادری میان مسلمانان حول محور امامت، چنان امنیتی را تضمین می‌کند که نه تنها آزار و تعدّی بر هم روا نمی‌دارند، بلکه افراد، نگاه بد و فکر سوئی نیز نسبت به هم ندارند:

اقبل عذر اخیک، و ان لم یکن له عذر فالتمس له عذرا (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۷۴، ۱۶۵):
عذر برادرت را بپذیر و اگر عذری نداشت برایش عذری بتراش.

ج) گستره‌ی تمدنی امت واحده زیر چتر ولایت

اسلام دین فطری و جهان شمول است که همه‌ی انسان‌ها را در همه‌ی عصرها و نسل‌ها مورد خطاب قرار می‌دهد (اعراف: ۱۵۸).

جامعه‌ی ولایی برآمده از آموزه‌های این دین، مانند چتری الهی، برای همه‌ی انسان‌هاست؛ برای نژاد، قومیت، منطقه جغرافیایی و زمان و مکان خاص معنا ندارد. جهان شمولی جامعه‌ی آرمانی اسلامی را می‌توان از آیاتی با خطاب‌های عام (انبیاء: ۱۰۷؛ اعراف: ۱۵۸)، روایاتی با مضامین جهان شمولی (ابن بابویه، ۱۳۸۲: ج ۲، ۱۲۷؛ بحرانی، ۱۴۳۵ق: ج ۱، ۵۲۰) و حتی وقایع تاریخی ثبت شده مانند؛ عقد اخوت میان مهاجرو انصار، وجود صحابه با نژادهای ایرانی (سلمان فارسی)، آفریقایی، رومی (صهیب ابن سنان) (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق: ج ۲، ۷۲۶) دریافت کرد.

مرزهای موجود، در تصور آرمانی اسلام قابل پذیرش نیست (نهج البلاغه، نامه ۵۳) و تنها مرز آن، عقیده و پایبندی به ارزش‌های اسلامی است. بنابراین جامعه‌ی ولایی محدود به سرزمین و مرز جغرافیایی نبوده بلکه هر فردی در هر کجای دنیا می‌تواند زیر چتر جامعه‌ی ولایی و جزئی از امت واحده‌ی باشد.

علم امامت و پیشرفت علمی جامعه

امام برخوردار از علم لدنی و افاضی و عالم به همه‌ی امور دین و دنیا است (کلینی، ۱۳۹۳ق: ج ۱، ۱۵۷). این منشأ الهی و لدنی سبب برتری علم امام، بر سایر مردم می‌شود. به خاطر همین برتری است که مقام علم آموزی به دیگران نیز، در قرآن به آنان واگذار شده است (بقره: ۱۲۹؛ جمعه: ۲؛ آل عمران: ۱۶۴).

در میان روایات نیز دستور به علم آموزی و کسب دانش به وفور یافت شده و حتی در روایتی علم آموزی را بر هر مسلمان فریضه می‌دانند (نوری، ۱۴۰۸ق: ۲۴۹). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، در مقام رهبر جامعه‌ی اسلامی اهتمام ویژه‌ای برای علم آموزی امت داشته است و از هر موقعیتی برای تشویق به این امر استفاده می‌کرد.

جامعه‌ی امام محور، جامعه‌ای علم پرور است که با هدایت و جهت‌دهی و تشویق امام (رهبر جامعه) به شکوفایی علوم مختلف، منجر می‌شود (پیشوایی، ۱۳۹۸: ۳۰۵؛ درخشه، ۱۳۹۰: ۲۵۴). نقطه‌ی اوج این پیشرفت علمی در جامعه‌ای با رهبری امام منصوب و معصوم شکل خواهد گرفت. جهش فوق‌العاده‌ی علمی در جامعه امام محور، از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، ۳۳۶). در روایات دیگری با مضمون زیاد شدن عقول در زمان ظهور بر پیشرفت جامعه‌ی ولایی تأکید می‌کنند (همان: ۳۲۸).

عدالت امامت و جامعه‌ای عدالت محور

عدالت، پایه و اساس جامعه و از مهم‌ترین شروط امام جامعه است. امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید:

عدالت قوی‌ترین بنیاد است (آمدی، ۱۴۲۳ق: ج ۱، ۱۸۱).

اهمیت عدالت در مکتب امامیه تا بدان جاست که حکومت شیعه به عنوان «حکومت عدل» نامیده می‌شود (درخشه، ۱۳۹۰: ۹۰). عدالت به معنای «قرار دادن هر چیز به جای خویش و اعطای هر حق به صاحب آن حق» (تواناییان فرد، ۱۳۹۰: ۱۱۷) مورد تأیید روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام است:

الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷).

شرط اولیه‌ی هر پیامبر، امام و حاکمی، «عادل بودن» اوست و طبق بعضی آیات، هدف از ارسال رُسل و انزال کتب، اجرای «عدالت و قسط» در جامعه است (نساء: ۱۳۵؛ شوری: ۱۵؛ نحل:

۹۰؛ حدید: ۲۵؛ شبذینی، ۱۳۹۰: ۲۶). جامعه‌ای که بالاترین جایگاه اجتماعی‌اش مشروط به عدالت باشد، موجب جاری شدن این مؤلفه در تمامی احوالات شخصی، تصمیم‌گیری‌های اجتماعی، عزل و نصب‌های سیاسی و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و... می‌شود.

الف) معیارهای عدالت

در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام فرد عادل دارای چهار شاخصه معرفی شده است: عدالت چهار شعبه دارد؛ فهم دقیق، علم، دانش عمیق و قضاوت صحیح و روشن و حلم و بردباری راسخ. کسی که درست بیندیشد به اعماق دانش آگاهی پیدا می‌کند و کسی که به عمق علم و دانش برسد از سرچشمه‌ی احکام سیراب می‌گردد و آن کس که حلم و بردباری پیشه کند گرفتار تفریط و کوتاهی در امور خود نمی‌شود و در میان مردم با آبرومندی زندگی خواهد کرد (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۱).

با توجه به شاخصه‌های مطرح در روایت، شخصی را می‌توان عادل خواند که دارای درک و فهم عمیق، علم و دانش محکم و ریشه‌دار، حکمت نیکو و ارزشمند و حلم پایدار باشد. کسی که عدالت را درک نکند، ابعاد آن را نشناسد و از کم و کیف حقایق امور و اشیاء آگاهی نداشته باشد نمی‌تواند تصویری صحیح از عدالت داشته و اجراکننده‌ی عدالت در جامعه باشد (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۱۸۴). بنابراین تنها امام منصوب است که اشراف کامل به جایگاه هر شخص و شی دارد و با قدرت تصرف می‌تواند مظهر تام عدالت بوده و آن را در جامعه جاری سازد. «امام عادل» به عنوان، زیربنای عدالت اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... عامل اصلی حیات و حرکت اسلام در جامعه محسوب می‌شود (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵: ۱۹؛ مطهری، ۱۳۷۹: ۴۷).

ب) عدالت فرهنگی

معنای عدالت فرهنگی در تمدن غیراسلامی همراه با نوعی استبداد، جای‌گرفتن تمامی فرهنگ‌ها با تفاوت‌های بسیار، در قالبی مشخص است و حتی در برخی نظریات مساوی با نظم و یکدستی قرار می‌گیرد. چنان‌که افلاطون موزون بودن و تناسب کلی جامعه را عدالت دانسته (ملکی و مصطفوی، ۱۳۹۴: ۱۴۱-۱۷۳) و آگوست کنت نیز عدالت را مطابق با نظم تعریف می‌کند.

در میان همه‌ی نظریات در رابطه با عدالت فرهنگی، تمدن اسلامی با محترم شمردن فرهنگ‌های جوامع مختلف، به یک جامعه‌ی جهانی مبتنی بر احترام به دیگر فرهنگ‌ها بر اساس تعارف و شناخت یکدیگر (لتعارفوا) معتقد است، که منجر به حفظ هویت آنها و سنت‌های درست‌شان می‌شود. چنان‌که پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید:

يعمل في الاسلام بفضائل الجاهليه (عبدالباقي، ۱۹۸۷م: ۱۰۸؛ خرمشاهی، ۱۳۷۱: ۵۵۵)؛
در اسلام به فضائل عصر جاهلیت عمل می‌شود.

تمدن اسلامی، با تشکیل نظام «امام و امت»، از هرگونه ظلم فرهنگی میزبان تفسیر درست و بدون ظلم و استبداد از «عدالت فرهنگی» را به جهان عرضه می‌دارد. ساختن الگویی ثابت برای تمامی اقشار و بلادها با عناوینی مانند، جهانی شدن، یکسان‌سازی و... موجب قربانی شدن هویت‌ها، فرهنگ‌ها و سنت‌های خوب جوامع شده که اندیشمندان اجتماعی از آن با عنوان ظلم فرهنگی یاد می‌کنند.

فعالیت و شرکت در تمامی امور اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، طبق موازین شرعی و الهی، کاملاً آزاد است و برای هیچ صنف و دسته‌ای، امتیازی خاص قابل پذیرش نیست و تنها ملاک امتیاز، رعایت تقوا و حدود الهی، در بُعد فردی و اجتماعی خواهد بود (حجرات: ۱۳). امام سجاد علیه السلام در این باره می‌فرماید:

لا حسب لقرشی ولا لعربی إلا بتواضع ولا کرم إلا بتقوی ولا عمل إلا بنیه (ابن بابویه،
۱۴۱۶ق: ۱۱۹)؛

هیچ شرافت و افتخاری برای قریش یا عرب نیست مگر به سبب تواضع، و هیچ کرامت و ارزشی نیست مگر به تقوا، و هیچ عملی ارزشی ندارد مگر به سبب نیت.

ج) عدالت سیاسی

در حکومت ولایی؛ آن چه ملاک و معیار حاکمیت و قرار گرفتن در رأس امور است، وجود برخی صلاحیت‌های انسانی و الهی از جمله علم، تقوا و عدالت است (نهج البلاغه، نامه ۵۳؛ مفید، ۱۳۷۱: ۱۴۳، ۳۱۷ و ۴۱۶). اگر این صلاحیت‌ها در فردی وجود داشته باشد آن شخص می‌تواند در این نظام، صاحب منصب گردد. حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای این مؤلفه را شاخصه‌ی برجسته و کلیدی تمدن اسلامی می‌داند (مرکز صهبا، ۱۳۹۱: ۱۶۷).

د) عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی عبارت است از ارزشی که با فراگیر شدن آن، جامعه دارای شرایط و زمینه‌هایی می‌شود که هر صاحب حقی به حق خود می‌رسد و امور جامعه به تناسب و تعادل، در جای شایسته و بایسته‌ی خویش، قرار می‌گیرد (سیدباقری، ۱۳۹۱: ۲۵). در هر جامعه‌ای برای رشد، تربیت و شکل‌گیری شخصیت افراد، فرصت‌هایی وجود دارد که توزیع نابرابر این فرصت‌ها عده‌ای را برخوردار و عده‌ای را محروم می‌سازد. توزیع عادلانه فرصت‌ها، امکان رشد و شکوفایی استعدادها و ظرفیت‌ها را برای همه‌ی افراد فراهم می‌سازد و در مراحل بعدی زمینه‌ی مناسب رفع محرومیت‌ها را تا حدود زیادی برطرف می‌سازد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰: ۱۹۶). در تمدن اسلامی، که توسط امامی عادل راهبری می‌شود، افراد به تمامی امکانات و فرصت‌ها موجود در جامعه دسترسی عادلانه خواهند داشت. البته باید در نظر داشت که عدالت کمونیستی «تساوی همه‌ی افراد و اقشار» (شهید صدر، ۱۳۵۰: ۶۸) مورد تأیید اسلام نیست و عدالت به معنای نفی تبعیض‌هاست نه نفی تفاوت‌ها.

علاوه بر عدالت در ایجاد فرصت‌ها، توزیع برابر یا نابرابر امکانات عمومی نیز در جامعه می‌تواند در سطح برخورداری‌های مردم، اثرگذار باشد. تخصیص عادلانه امکاناتی مانند انفال (منابع ثروت در اختیار دولت جهت مدیریت توزیع)، منابع مالی دولت در بانک‌ها و تقسیم عادلانه اعتبارات بانکی و... به افزایش عدالت اجتماعی منجر می‌شود.

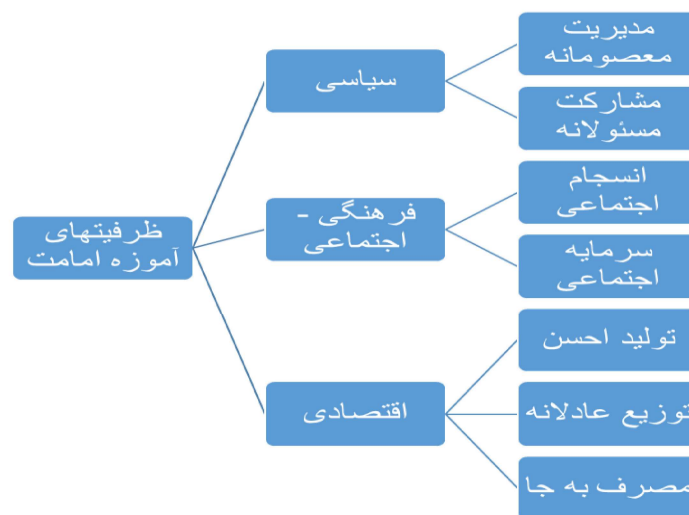
ه) عدالت اقتصادی

در جامعه‌ای که امام عادل تربیت و مدیریت انسان‌ها را بر عهده دارد اگر اعضای جامعه، قدر این فرصت الهی را بدانند و از آن بهره ببرند (بقره: ۳۰)، متوجه مسئولیت الهی خود می‌شوند. در نتیجه، نگاه انسان‌مدارانه و مادی صرف، جای خود را به نگاه توحیدی و ولایی می‌دهد. بنابراین امکانات مادی و داری‌های اقتصادی را امانت‌های الهی می‌دانند و این، موجب توزیع عادلانه اموال و امکانات در میان مردم می‌شود. «أنفقوا مما جعلکم مستخلفین فیہ...» (حدید: ۷۰)؛ از آنچه شما را در آن وارث گذشتگان گردانید در راه خدا انفاق کنید. «المال عاریه؛ مال امانت است» (آمدی، ۱۴۲۳ق: ج ۱، ۲۶). «المال مال الله جعله ودائع عند خلقه؛ مال از آن خداست و خداوند آن را به عنوان امانت و ودیعه در اختیار بندگانش قرار داده است» (حکیمی، ۱۳۹۵: ج ۳، ۸۷-۸۹).

همان‌گونه که پیشتر «عدالت»، قرار گرفتن هر کس و هر چیز در جایگاه خود معنا شد، تعدی اموال از جایگاه خود موجب شکاف‌های طبقاتی و معضلات اجتماعی و ناپه‌سامانی اقتصاد می‌شود. اما با قرار گرفتن اموال در جایگاه مناسب خود، موجب قوام و پایداری جامعه می‌شود. ﴿لَا تَوْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا﴾ (نساء: ۵).

ظرفیت‌های اختصاصی آموزه‌ی امامت

علاوه بر ظرفیت‌های عام تمدنی، در بخش‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، ظرفیت‌های خاصی قابل ذکر است؛



«شکل ج»

الف) ظرفیت‌های سیاسی

مدیریت معصومانه مشارکت مسئولانه

مدیریت معصومانه بدون خطاست و راه سعادت افراد جامعه را هموار می‌کند و سرعت پیشرفت و تعالی را بالا می‌برد و به حد مطلوب می‌رساند.

از سوی دیگر، چون رابطه «اطاعت‌پذیری امت از امام»، همراه با «رابطه مودتی» است، مشارکت مردم در امور سیاسی، مسئولانه و عاشقانه می‌باشد.

ب) ظرفیت‌های فرهنگی - اجتماعی

ایجاد انسجام اجتماعی، تولید سرمایه اجتماعی

از جمله عوامل مقوم و انسجام‌دهنده‌ی اجتماع «رهبر و امام» است. همان‌گونه که حضرت زهرا (علیها السلام) در خطبه فدکیه عامل اساسی نظام بخشی و وحدت و انسجام جامعه را عنصر «امامت و پیروی از آن» معرفی می‌کند:

فجعل الله... طاعتنا نظاما للمله و إمامتنا أمانا من الفرقه (طبرسی، ۱۳۸۴: ج ۱، ۲۵۸).

رهبری جامعه به سبک امامت، بهترین مدل سامان‌دهی و کنترل و رشد افراد جامعه به سمت جامعه متعالی است. این سبک راهبری و مدیریت، مولد سرمایه اجتماعی است. جامعه‌ای متحد و یک‌پارچه، تعامل مطلوب اجتماعی، هماهنگی و همراهی همه افراد، به کارگیری درست ظرفیت‌های مادی و معنوی و... نمونه‌ای از سرمایه‌های اجتماعی چنین جامعه‌ای است. تبعیت و اطاعت از امام موجب انسجام و نظام بخشی به جامعه و تحقق اهداف شبکه‌سازی و جامعه‌سازی دین می‌شود (پوررستمی، ۱۳۹۹).

بنابراین الگوی انسجام اجتماعی در تمدن اسلامی بر پایه‌ی اطاعت و ولایت‌پذیری از امام پایه‌ریزی شده است. اطاعت و ولایت‌پذیری از امام، موجب انسجام (بینشی، منشی و ارزشی) اجتماعی شده و سرمایه اجتماعی تولید می‌کند.

ج) ظرفیت‌های اقتصادی

تولید احسن، توزیع عادلانه، مصرف به جا

انس با آموزه امامت، انس با آموزه‌های امام را نتیجه می‌دهد، آموزه‌هایی در قالب حسن نیت، حسن خلق و حسن عمل. آموزه‌هایی که می‌توانند در مراحل مختلف اقتصادی موثر و مفید باشند. در این صورت تولید از یک کار صرفاً اقتصادی به عبادت مبدل شده (فیض کاشانی، ۱۴۱۷ق: ج ۳، ۱۴۲) و تولید و کسب و کار را رونق می‌گیرد. در نگاه انسان اقتصادی غیرموحد آنچه او را به سمت فعالیت اقتصادی و تلاش می‌کشاند نه عقیده و نه تفکر بلکه منافع فردی است (حسینی، ۱۳۷۹). بر این اساس کار تولیدی فعالیت صرفاً مادی نیست، بلکه طبق آموزه‌ها، درآمد به مفهوم رزق تغییر می‌یابد و حتی عوامل غیرمادی مانند «از خدا خواستن»، «حسن نیت»، «گناه نکردن»، «نیکوکاری» و «صله رحم» رزق را افزایش می‌دهد (کلینی، ۱۳۹۳ق: ج ۱۵، ۵۰۲؛ ج ۲، ۱۵۶).

مصرف، حلقه‌ی پایانی زنجیره‌ی اقتصادی است. مصرف صحیح و به‌جا در سایه‌ی آموزه امامت، با کمک گرفتن از اصولی چون قناعت، صورت می‌گیرد. قناعت خود سرچشمه گرفته از آموزه‌های امامان معصوم و جاری در سیره‌ی آن بزرگواران است. امام علی علیه السلام در پاسخ به پرسش از آیه *«فَلنَحْيِيَنَّه حیاة طَيِّبَةً»* فرمود:

هي، القناعةُ (نهج البلاغه، حکمت ۲۲۹)؛
حیات طیبه، قناعت است.

نتیجه‌گیری

رهبری و مدیریت از مهم‌ترین ارکان جامعه بوده و عنصر متمایزکننده هر جامعه نسبت به سایر جوامع است. بهترین نوع حکومت، حکومتی است که در رأس آن رهبری آگاه، مصون از خطا، دلسوز و کاردان... بوده و از تمام جنبه‌های زندگی انسان آگاه باشد و بتواند کلیه نیازهای بشر را شناخته و زمینه شکوفایی انسان‌ها را فراهم سازد.

«آموزه‌ی امامت» از اصول جهان‌بینی شیعه است. بر اساس این اصل، «امامت و رهبری» در جامعه اسلامی یک امر الهی است و امام دارای ویژگی‌های منحصر به فردی چون؛ علم امام، معصومیت امام می‌باشد. امامت و رهبری با ویژگی‌های یاد شده دارای ظرفیت‌هایی است که موجب امتیاز جامعه اسلامی و رشد همه‌جانبه دنیوی و اخروی آن می‌شود. امامت و رهبری دارای ظرفیت‌های عام و ظرفیت‌های خاصی در باب تمدن است.

درباره‌ی ظرفیت‌های عام موجود در امامت می‌توان به ظرفیت «ساختن امتی واحد و یکپارچه»، «زمینه‌سازی و هدایت در مسیر پیشرفت همه‌جانبه علمی» و «برپایی عدالت در همه‌ی ابعاد جامعه» اشاره کرد.

ظرفیت‌های خاص امامت در ارتباط با ابعاد مختلف تمدن و ساحت‌ها و لایه‌های مختلف آن، نمایان می‌شود. از جمله ظرفیت‌های خاص تمدنی آموزه امامت، می‌توان به «مدیریت معصومانه و مشارکت مسؤانه امت» در ساحت سیاسی، به ایجاد «انسجام اجتماعی و سرمایه‌ی اجتماعی» در ساحت فرهنگی - اجتماعی و به «تولید احسن و توزیع عادلانه و مصرف به‌جا»، در ساحت اقتصادی اشاره کرد.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن بابويه، محمد بن علی (۱۳۸۲)، *کمال الدین و تمام النعمه*، قم: مسجد مقدس جمکران، دوم.
۲. ابن بابويه، محمد بن علی (۱۴۱۶ق)، *الخصال*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، اول.
۳. ابن حجر هیثمی، احمد بن محمد (بی تا)، *الصواعق المحرقة فی الرد علی اهل البدع و الزندقه*، قاهره: مکتبه القاهره.
۴. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (۱۴۱۲ق)، *الاستیعاب*، بیروت: دارالجمیل، اول.
۵. آصفی، محمد مهدی (۱۳۸۲)، *السلام فی الاسلام: الولاء و البرائة و لایة الله*، تهران: فرهنگ مشرق زمین، اول.
۶. آمدی، سیف الدین (۱۴۲۳ق)، *أبکار الأفكار فی أصول الدین*، قاهره: دارالکتب، دوم.
۷. بحرانی، ابن میثم (۱۴۳۵ق)، *قواعد المرام فی علم الکلام*، کربلا: العتبة الحسینیة المقدسه، اول.
۸. بحرانی، ابن میثم (بی تا)، *النجاة فی القيامة فی تحقیق امر الامامه* (نسخه ی دیجیتالی) اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه.
۹. بحرانی، علی بن عبدالله (۱۴۰۵ق)، *منار الهدی فی النص علی امامة الائمة الاثنی عشر*، تحقیق: عبدالزهرا حسینی، بیروت: دارالمنتظر، اول.
۱۰. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۳)، *نهج الفصاحه*، قم: انصاریان، دوم.
۱۱. پور رستمی، حامد (۱۳۹۹)، «نظریه سرمایه اجتماعی «امامت محور» با تکیه بر آموزه های شیعه»، *فصل نامه مدیریت سرمایه اجتماعی*، دوره ی ۷، شماره ی ۳.
۱۲. پورسیدآقایی، سیدمسعود؛ امامی، مجید (۱۳۹۵)، *مهدویت و ریافت تمدنی*، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۳. پیشوایی، مهدی (۱۳۹۸)، *سیروی پیشوایان*، قم: مؤسسه ی امام صادق علیه السلام، چهل و چهارم.
۱۴. توانایان فرد، حسن (۱۳۹۰)، *تاریخ اندیشه اقتصادی*، تهران: انتشارات مؤلف، دوم.
۱۵. جمشیدی، محمد حسین (۱۳۸۰)، *نظریه ی عدالت از دیدگاه ابونر فارابی*، امام خمینی و شهید صدر، تهران: پژوهشگاه امام خمینی رحمته الله علیه، اول.

۱۶. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۰)، کتاب دومین نشست اندیشه‌های راهبردی عدالت، تهران: الگوی پیشرفت، اول.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹)، ولایت فقیه؛ ولایت فقاقت و عدالت، قم: اسراء، دوم.
۱۸. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۵)، اثبات الهداه بالنصوص والمعجزات، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷)، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، قم: مؤسسه‌ی ایمان جهادی.
۲۰. حسینی میلانی، سید علی (۱۳۹۶)، اثبات الولاية العامة للنبي والائمة عليه السلام، قم: الحقایق، اول.
۲۱. حسینی، سید رضا (۱۳۷۹)، «نقدی بر دیدگاه سرمایه‌داری درباره‌ی انسان اقتصادی»، کتاب نقد، شماره‌ی ۱۷.
۲۲. حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد؛ حکیمی، علی (۱۳۹۵)، الحیاة، تهران: دلیل ما، سوم.
۲۳. حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۳۰ق)، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، تصحیح: علامه حسن حسن‌زاده آملی، قم: مؤسسه‌ی نشر اسلامی، اول.
۲۴. حلّی، حسن بن یوسف (۱۹۸۲م)، نهج الحق وکشف الصدق، بیروت: دارالکتب اللبنانی، اول.
۲۵. حمود، محمد جمیل (۱۳۸۳)، الفوائد البهیة فی شرح عقاید الامامیه، قم: فقه، اول.
۲۶. خرمنشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۱)، قرآن پژوهی، تهران: نشر فرهنگ‌ی مشرق، اول.
۲۷. خویی، ابوالقاسم (۱۳۹۳)، مصباح الفقاهة فی المعاملات، قم: فقاقت، دوم.
۲۸. درخشه، جلال (۱۳۹۰)، آفاق تمدنی انقلاب اسلامی، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، اول.
۲۹. ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۷۳)، «امامیه»، کیهان اندیشه، شماره ۵۴ (نسخه‌ی الکترونیکی).
۳۰. ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۷۹)، «حکومت ولایی از دیدگاه امام علی علیه السلام»، فصل‌نامه کلام اسلامی، شماره‌ی ۳۶.
۳۱. ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۸۷)، امامت در بینش اسلامی، قم: مؤسسه‌ی بوستان کتاب.
۳۲. ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۸۸)، «نقش فاعلی امام در نظام آفرینش»، نشریه‌ی انتظار موعود، شماره‌ی ۲۹.
۳۳. سبحانی، جعفر (۱۳۸۴)، علم غیب (آگاهی سوم)، تهران: مؤسسه‌ی تعلیماتی و تحقیقاتی

امام صادق علیه السلام، اول.

۳۴. سبحانی، جعفر (۱۴۱۳ق)، *الإلهيات على هدى الكتاب والسنة والعقل: محاضرات الاستاد الشيخ*

جعفر السبحانی، تقریر: حسن مکی عاملی، قم: مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام، چهارم.

۳۵. سیدباقری، سید کاظم (۱۳۹۱)، *اصلاح الگویی مصرف از منظر سیاسی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی.

۳۶. شبدینی، محمد (۱۳۹۰)، *مبانی نظری عدالت اجتماعی در اسلام*، قم: نشر زمزم، اول.

۳۷. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۷۸)، *ولایت تکوینی و ولایت تشریحی*، قم: مرکز تنظیم و نشر آثار آیه‌الله صافی گلپایگانی، دوم.

۳۸. صدر، محمد باقر (۱۳۵۰)، *اقتصاد ما*، ترجم: محمد کاظم موسوی، قم: مؤسسه‌ی انتشارات اسلامی، اول.

۳۹. صفار قمی، محمد بن حسن (۱۳۹۲)، *بصائر الدرجات الكبرى فی فضائل آل محمد*، قم: پیام مقدس، اول.

۴۰. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴)، *تفسیر المیزان*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، پنجم.

۴۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۴)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو، هشتم.

۴۲. عبدالباقی، محمد فؤاد (۱۹۷۸م)، *مفتاح الكنوز السنه*، لاهور: اداره ترجمان السنه.

۴۳. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، *تفسیر نورالثقلین*، قم: اسماعیلیان، دوم.

۴۴. غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰)، *سرمایه‌ی اجتماعی و امنیت انتظامی*، تهران: جامعه‌شناسان، اول.

۴۵. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (۱۳۸۷)، *اللوامع الإلهية فی مباحث الكلامیه*، قم: بوستان کتاب، سوم.

۴۶. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (۱۳۹۱)، *إرشاد الطالبین الی نهج المسترشدين*، قم: کتابخانه‌ی عمومی حضرت آیه‌الله مرعشی نجفی، دوم.

۴۷. فرهمندپور، فهیمه (۱۳۸۷)، «باور عمومی شیعیان به اصل (امامت) و نقش آن در توسعه‌ی اقتدار جتماعی ائمه»، *نشریه‌ی اندیشه‌ی نوین دینی*، دوره‌ی ۴، شماره‌ی ۱۵.

۴۸. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی (۱۴۱۷ق)، *المحجة البيضاء*، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چهارم.

۴۹. قرشی بنایی، علی اکبر (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ششم.
۵۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۳)، الکافی، قم: دارالکتب الاسلامیه، چهارم.
۵۱. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، بحار الأنوار، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۵۲. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۳۷۴)، المسلك فی أصول الدین و تلیة الرسالة الماتعیه، تهران: مجمع بحث اسلامی ایران، اول.
۵۳. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۵)، عدل در جهان بینی توحید، قم: مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، سوم.
۵۴. مرکز صهبای (۱۳۹۱)، ولایت و حکومت، تهران: مؤسسه‌ی جهادی. اول.
۵۵. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۳)، آموزش عقائد، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات امیرکبیر، سیزدهم.
۵۶. مطهری، مرتضی (۱۳۷۹)، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران: صدرا، هفدهم.
۵۷. مظفر، محمد حسن (۱۳۹۴)، دلائل الصدق لنهج الحق، قم: مؤسسه آل بیت، اول.
۵۸. مفید، محمد بن محمد نعمان (۱۳۷۱)، العجل، تحقیق: سید علی میرشریفی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۵۹. ملکی، ثریا؛ مصطفوی، شمس الملوک (۱۳۹۴)، «بررسی و نقد نظریه‌ی عدالت در رساله جمهوری افلاطون»، جستارهای فلسفی، شماره‌ی ۲۸.
۶۰. مؤمن قمی، محمد (۱۳۸۹)، الولاية الإسلامية أو الحكومة الإسلامية زمن حضور المعصوم و زمن الغیبه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، اول.
۶۱. نصری، عبدالله (۱۳۷۶)، تکاپوگر اندیشه‌ها؛ زندگی و اندیشه‌های استاد محمد تقی جعفری، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، اول.
۶۲. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، بیروت: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
۶۳. سایت: <https://farsi.khamenei.ir>